

## سرزمین توبه و عرفان؛ دگرگونی هنرپیشه مصری در عرفات

گمان نمی‌کنم سرزمینی مانند عرفات روی این کره خاکی پیدا شود.هر مکانی ارزش خود را دارد اما هیچ مکانی عرفات نمی‌شود. عرفات مکانی است که گفته می‌شود اگر کسی شب قدر را از دست بدهد و موفق به توبه کردن در آن شب نشود، می‌تواند به این سرزمین بیاید و توبه کند.

یکی از سفرنامه‌های منتشرشده در دهه اخیر کتاب «تا دستبوسی خدا» نوشته سیدمحمود جوادی است که روایت نخستین سفر حج نویسنده در سال ۱۳۷۹ است، که همان سال به‌صورت پاورقی نیز در روزنامه جام جم منتشر شد، اما انتشار آن به‌صورت کتاب، به‌دلیل مفقود شدن نسخه‌های دست‌نویس نویسنده سال‌ها به تعویق افتاد، تا اینکه چاپ نخست کتاب در سال ۹۵ از سوی انتشارات سوره مهر روانه بازار نشر شد.

«تا دستبوسی خدا» سفرنامه‌ای است همراه با اعمال و مناسک حج، در واقعی نوعی کتاب شسته‌ورفته درباره حج و اعمال آن است. تسلط نویسنده به زبان عربی موجب شده است اتفاقات خدایی نیز در طول سفر برای وی رخ دهد که خواندن آن‌ها خالی از لطف نیست. نگارنده در وصف مکان و احوال حجاج بیت‌الله الحرام در این کتاب سعی در تداعی تصویر داشته است به نحوی که مخاطب در مواجهه با آن با تجسم شرایط و اوضاعی که جوادی آن را وصف کرده است خود را در آن فضا احساس کند و به این واسطه می‌توان گفت که این سفرنامه قابلیت زیادی برای اقتباس نمایشی و تصویری دارد.

در بخشی از این سفرنامه تحت عنوان «عرفات سرزمین توبه و عرفان» می‌خوانیم:

**عرفات سرزمین توبه و عرفان**

«در مصاحبه‌ای که مجله‌ای عربی با یک هنرپیشه زن معروف مصری داشت، خواندم که این سرزمین چنان او و چند تن از هنرپیشه‌های

اصل حدیث تقلین اولین بار در حجۀالوداع و در موقف عرفه صادر شد و گویای آنست که تنها در پرتو تمسک قرآن و عترت است که می‌توان از انبوه نفسیه‌ها، مکاتب، سلیقه‌ها، ادعاها و اختلافات امت عبور کرد و به اصل دین محمدی بازگشت و قرآن، به تنهایی راهگشا نیست.

در روز عرفه، آن‌گاه که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در آخرین حج خود، موسم حجۀالوداع، در برابر دیدگان هزاران مسلمان، سخنانی برونش‌ت‌جا ایراد می‌فرمود، نکته‌ای را بیان کرد که می‌توان آن را شایبیت هدایت امت تا پایان تاریخ دانست. آن حضرت با احنی محکم و لحظاتی آمیخته با دواع، فرمود: «فَإِنَّ قُدْرَتَكَ فِیْکُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهٖ لَنْ تَقْلُوا: کتابُ الله و عَزَّتِیْ أَهْلُ بَیْتِیْ»؛ یعنی «من در میان شما چیزهایی را باقی گذاشته‌ام که اگر به آنها تمسک جویید، هرگز گمراه نخواهید شد. کتاب خدا و عترتم؛ اهل بیتم.» این وصیت، نه یک توصیه معمولی، بلکه نقشه راهی برای حفظ اسلام از هرگونه تحریف و انحراف بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله، قرآن و عترت را در کنار هم قرار دادند؛ دو حقیقتی که اگر از یکدیگر جدا شوند، امت بی‌پناه خواهد ماند و گرفتار انواع برداشت‌های ناروا و اختلاف‌های ریشه‌ای خواهد شد. باین‌حال، تاریخ گمراه است که پس از رحلت پیامبر، امت اسلامی به‌تدریج از عترت دور شد و همین فاصله‌گیری، آغاز انحرافات بزرگ و شکل‌گیری جریان‌های فکری واگرا شد. انحراف امت از مسیر الهی، از جایی آغاز شد که عرفات پیامبر به خاشیه رانده شد و ولایت علوی که محور حق و معیار هدایت بود، نادیده گرفته شد. با ترک ولایت‌امیر مؤمنان علیه‌السلام، امت نهاده رهبری معصوم را از دست داد، بلکه به زودی گرفتار اختلافات سیاسی و تفرقه‌های مذهبی شد؛ اختلافاتی که قرن‌هاست امت را از وحدت و شکوفایی بازداشت‌اند.

**«ایران را کشف کن» تنها یک برنامه رسانه‌ای نیست، بلکه یک فراخوان تلویزیونی از شبکه‌های خارجی صدا و سیماست که برای شناخت ایران واقعی و متنوع روی آنتن می‌رود.**
در شرایطی که بسیاری از گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهند تصویر ایران در رسانه‌های جهانی اغلب ناقص یا نادرست است، شبکه‌های برون‌مرزی صدا و سیما با اجرای طرح «ایران را کشف کن» «Discover Iran» ذیل رویکرد ملی «ایران جان» در پی ترسیم چهره‌ای واقعی و جذاب از ایران برای مخاطبان جهانی است؛ تلاشی رسانه‌ای با هدف معرفی ایران، توسعه گردشگری، سرمایه‌گذاری و تعامل فرهنگی.

براساس بررسی‌های متعدد مقالات منتشرشده در بر اساس بررسی‌های متعدد در مقالات و گزارش‌های منتشرشده، تصویر ایران در رسانه‌های غربی معمولاً محدود به روایت‌های سیاسی و امنیتی است و کمتر به ابعاد فرهنگی، تاریخی و اقتصادی این کشور پرداخته می‌شود. همچنین برخی اخبار در تحلیل خود از دیدگاه‌های مردم جهان درباره ایران تأکید کرده است که اطلاعات نادرست یا ناکامل، درک واقعی از ایران را به‌شدت تضعیف کرده و فرصت‌های بالقوه برای تعامل سازنده را محدود ساخته است.

به باور کارشناسان، اصلاح این تصویر نادرست

نحله‌های گوناگون فکری که هر کدام ادعای فهم دین داشتند، در حقیقت محصول فاصله گرفتن از منبع اصلی هدایت یعنی عترت بودند. برخی به ظاهر قرآن تمسک جستند اما چون اهل بیت را کنار گذاشتند، تفسیر به رأی را مینا قرار دادند و از بطن آیات نورانی قرآن، نتایجی تاریک و متضاد با روح اسلام استخراج کردند. جریان‌های صوفی‌سلک و عرفان‌های کاذب، که سلوک دینی را با ذوقیات و مکاشفات غیرمستند پیوند زدند، به‌جایی عترت به پیران طریقت و مکاتب انحرافی دل سپردند. اینان به‌جایی بهره‌گیری از سیره معنوی و عرفان ناب اهل بیت علیهم‌السلام، به ساختارهایی تکیه کردند که نه از قرآن برخاسته بودند و نه از نور ولایت تغذیه می‌کردند.

در سده‌های بعد جریان‌های عقل‌گرایی که با عنوان «صحاب‌رای» شهرت یافتند و در عصر غیبت با عنوان جریان عقل‌گرا شهرت یافت، به عقل خود بسنده کردند و سنت قولی و عملی اهل بیت را هرگز نکردند به گونه‌ای که قرن‌های چهارم تا دهم را دوران رکود نهضت حدیثی دانسته‌اند؛ این طرز تلقی موجب شد که روایات عترت یا متروک شوند یا در چارچوب عقل ناقص بشری تأویل نادرست یابند؛ در حالی که پیامبر اسلام به روشنی فرموده بود راه نجات به تمسک به عترت است. البته در قرن یازدهم تا دوازدهم چهره‌های شاخصی همچون مجلسی‌ها، شیخ حرّ عاملی و سید هاشم بحرانی‌ها و امثال این محدثان، پا در عرصه‌ی حدیث نهادند و سبب احیای نهضت حدیث شیعه شدند.

از همین رو، هرگونه نظام تربیتی، علمی، تفسیری و اخلاقی که از مدار اهل بیت خارج شود، گرچه ممکن است در ظاهر رنگ و بوی دیانت داشته باشد، در باطن راه به ضلالت خواهد برد. چرا که عترت، کشتی نجات و باب علم نبوت و جدایی از آنان یعنی بی‌سکان ماندن در طوفان زمان.

امروز نیز اگر بخواهیم امت اسلامی به وحدت،

دیگر کشورش را تحت تأثیر قرار داده و از گذشته خود نادم و پشیمان کرده است که پس از بازگشت به کشورشان به سراغ مسئولان تلویزیون مصر رفته و از آنها تعهد اخلاقی گرفته‌اند تا از پخش مجدد فیلم‌هایشان جلوگیری کنند.

گمان نمی‌کنم سرزمینی مانند عرفات روی این کره خاکی پیدا شود. هر مکانی ارزش خود را دارد اما هیچ مکانی عرفات نمی‌شود. عرفات مکانی است که گفته می‌شود اگر کسی شب قدر را از دست بدهد و موفق به توبه کردن در آن شب نشود، می‌تواند به این سرزمین بیاید و توبه کند. گرچه زیارت قبر امام حسین(ع) در روز عرفه کمتر از حضور در عرفات نیست؛ با این حال درباره عرفات چنین روایت شده است که خواند در روز نهم ذیحجه هر سال فرشته‌ها را به آسمان دنیا دعوت می‌کند و حاجیان را به آنان نشان می‌دهد و می‌فرماید: ای ملأئکه من بنگرید چگونه این مردمان به خاطر من شهر دیار مال و خانواده خود را رها کرده و در این سرزمین حضور یافتند تا آنان را بیمارزم. پس شاهد باشید که من گناهان گذشته همه آنان را آمرزیدم…»

اینجا اشک ریختن معجزه می‌کند، لازم نیست مغایرتی از باز کنی، مناجاتی بخوانی که حتی معنی آن را نمی‌فهمی اگر در قید و بند جمله‌های قلبیه و سلمیه نباشی و با خدا صاف باشی می‌توانی حتی با گفتن، «خدایا خیلی کوچکم» زار و زار گریه کنی و حال کنی و تولد دوباره خودت را احساس کنی.

**به چادر بر می‌گردم تا خود را برای اعمال فردا آماده کنم.**

روز بعد، با چند تن از دوستان به کوه عرفات می‌رویم تا آنجا را از نزدیک ببینیم. بالای کوه ستونی ساخته‌اند که گفته می‌شود محل انتقالی آدم و حوا بر روی زمین است. می‌گویند یکی از دلایل نامگذاری این سرزمین به عرفات به این دلیل است که آدم و حوا، پس از هبوط بر کره



خاکی، خود را در این نقطه پیدا کردند و همدیگر را شناختند. به معنای دیگر، به خلقت خود معرفت و شناخت کامل‌تری پیدا کردند.

بعضی‌ها هم می‌گویند این سرزمین آفتزون بر این ماجرا، محل اعتراف این دو به گناه و توبه کردن آنها به خاطر ترک اولی در بهشت است. و اینجا محل استجابت دعا و پذیرفتن توبه آنها از سوی خداوند است.

پیرزنی در کنارم چشمش به ستون بلند و سفیدرنگ کوه عرفات می‌افتد و این ستون را به ستون جمرات (ستون شیطان در منی) اشتباه می‌گیرد. رو می‌کند به من و می‌گوید: «شیطان هم عجب جایی برای خودش انتخاب کرده‌ها» نه مادر اینجا جای شیطان نیست. اینجا قدمگاه آدم و حواست. اینجا محل عرفان است. یک وقت نروی آن بالا و به ستون سنگ بزنی‌ها. نمی‌دانم او حرف‌های مرا درک می‌کند یا خیر؛ بیچاره پیرزن.

به بالای کوه می‌رویم اما برای اینکه نیت وقوف در عرفات به جا بیآوریم سعی می‌کنیم قبل از

## نتیجه بی‌اعتنایی به پیام رسول خدا (ص) در عرفه



عزت و هدایت برسد، راهی جز بازگشت به قرآن و عترت نیست. وحدت واقعی نه با حذف مرجعیت اهل بیت، بلکه با محوریت آنان امکان‌پذیر است. در غیر این صورت، هر تلاشی

در مسیر تقرب، به دلیل نبودن شاخص حق، یا به اختلاف منجر می‌شود یا به نسبی‌سازی حقیقت.

مفهوم «لَنْ تَقْلُوا» که پیامبر صلی الله علیه و آله بر زبان آوردند، ضمانتی الهی بود برای کسانی که به این دو ثقل تمسک جویند. پس هر چه از مسیر اهل بیت دور شویم، به همان میزان از مسیر هدایت منحرف شده‌ایم. حتی اگر نام قرآن را با خود یدک بکشیم. اکنون در عصر غیبت، با آن که دست ما از حضور معصوم کوتاه است، اما رجوع به تعلیم اهل بیت، مراجعه به فقه، اخلاق و اندیشهٔ ایشان، همان تمسک حقیقی به عترت است. تنها در پرتو از آنان یعنی بی‌سکان ماندن در طوفان زمان.

امروز نیز اگر بخواهیم امت اسلامی به وحدت،

## ایران واقعی را شبکه‌های برون مرزی نشان می‌دهند



خبریی مغرضانه و تک‌بعدی و نیز ترغیب به تعامل مثبت با ایران، فرصتی فراهم می‌آورد تا جهانپان ظرفیت‌های اقتصادی، فرهنگی و تاریخی ایران را به‌طور مستقیم و مستند تجربه کنند. به‌ویژه، در زمینه گردشگری و سرمایه‌گذاری، چنین برنامه‌هایی می‌تواند انگیزه‌های تازه‌ای برای حضور فعال‌تر گردشگران و سرمایه‌گذاران خارجی در ایران ایجاد کند.

در نهایت، «ایران را کشف کن» تنها یک برنامه رسانه‌ای نیست، بلکه یک فراخوان برای شناخت ایران واقعی و متنوع است؛ کشوری که با وجود تمام چالش‌ها، همچنان از فرهنگی غنی، فرصت‌های اقتصادی قایل‌توجه و مردمی مهمان‌نواز برخوردار است. چنین اقداماتی می‌تواند سهم مهمی در شکل‌گیری گفتمانی نو در سطح جهانی داشته باشد و ایران را همان‌گونه که هست، به جهانیان معرفی کند.

### وظایف مرد در خانه و خانواده



**دکتر محبتی خندان**  
**(پژوهشگر عرصه خانواده)**

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید:

الغنی؛ (۱۷) اسراف، فقر و تنگدستی می‌آورد و میانهِ روی، ثروتمندی و بی‌نیازی را در پی دارد. «

دوم، تأمین هزینه ی خانوا بر عهده ی مردان گذاشته شده و آنان نباید در انجام این کار کوتاهی کنند، اما ممکن است در مواقعی، مرد به دلیل بی‌کاری یا علت دیگر نتواند از عهده ی این وظیفه بر آید؛ در این مواقع، باید زن قناعت پیشه کند و از توقعات خود بکاهد. اصولاً لازمه ی وجود محبت و مودت میان

زن و شوهر، آن است که در مشکلات و سختی ها یکدیگر را تنها نگذارند؛ از برخی توقعات خود، که خارج از توانایی همسر است، چشم‌پوشند و برای حفظ خانواده و زندگی مشترک، تنگدستی و نداری را با قناعت و صبر، از سر بگذرانند. صبر نکردن زن بر مشکلات، باعث آزار و اذیت شوهر او می‌گردد؛ این امر به شدت در روایات اسلامی نکوهش شده است.

امام صادق (ع) در این باره فرموده است: «لعنوا ملعونه امراه تودى زوجها و سعیده سعیده امراه تکريم زوجها و لاؤدیه و تعلیه فی جمیع احواله» (۱۸) ملعون است زنی که همسر خود را می‌آزارد و او را غمگین می‌سازد؛ و خوشبخت است زنی که شوهر خود را اکرام می‌کند و او را نیمی‌آزارد و در همه حال از او اطاعت می‌کند. «

برخی از بانوان به این مسأله توجه ندارند و خوشبختی را در ارضای هر چه بیش تر خواسته های مادی خود می‌جویند؛ انظراهای ایشان حدی ندارد و پیوسته خواسته ی تازه ای دارند؛ این افراد بی‌آن که امکانات همسر خویش را ببینند و با آینده نگری، مصالح خانواده را درنظر بگیرند، بر خواسته های خود پافشاری می‌کنند؛ حال اگر اینها برآورده نشود، زندگی را برای خود و همسر و فرزندان تیره و تار می‌کنند؛ نخستین چیزی که ایشان از دست می‌دهند، احساس رضایت همسر و در پی آن، احساس خوشبختی در زندگی است.

بعضی از زنان هم به دلیل چشم و هم چشمی های رایج، به قدری در ارضای خواسته های مادی خود زیاده روی می‌کنند که گویی تنها برای خرج ترشیدن و مصرف کردن ساخته شده اند؛ این گونه زنان، باری سنگین بر اقتصاد خانواده تحمیل می‌کنند. پیامبر اکرم (ص) خطاب به ایشان فرموده است:

«ایما امراه لم تفرق بزوجها و حملته علیه یا لایقدر وما لا یطیق لم تقبل منها حسنه و تلقی الیه هو علیها غضبان؛ (۱۹) هر زنی که نسبت به شوهر خود دلسوزی نکند و او را بر امری که توانایی و طاقت آن را ندارد وادار نماید، هیچ عمل نیکی از او پذیرفته نمی‌شود و خدا را در حالی ملاقات می‌کند که بر او خشمناک است.

چه بسازند خانواده هایی که با وجود امکانات مادی که با متوسط، به سبب داشتن صفت والای قناعت، بسیار سعادتمند هستند؛ این همان سعادت و آرامشی است که بعضی افراد مرفه آن را در خانه های مجلل، میهنایی های پرخرج، طلا و جواهرات و . . می‌جویند

و هرگز به آن دست نمی‌یابند. به همین جهت، بسیاری از مشکلات روانی و اجتماعی مانند افسردگی، احساس پوچی، انحراف های اخلاقی و از هم پاشیدن خانواده و امثال آن، بیشتر در میان قشر مرفه رواج دارد. (۲۰)

**۲. تأمین امنیت خانواده**

تلاش برای حفظ امنیت مالی، جانی و ناموسی همسر و فرزندان نیز وظیفه ی مرد است. خداوند سرپرستی زن را بر عهده ی مرد قرار داده و از او خواسته است تا از او نگهداری کند. علی (ع) در توصیه های خود به امام حسن (ع) درباره ی محافظت از غت و پاکدامنی زنان می‌فرماید:

«واکف علیهن من ابصارهن بحجابک ایاهن، فان شده الحجاب ابقی علیهن، و لیس خروجهن باشد من اداخلک من لا یوثق به علیهن و ان استطعت ان لایعرفن غیرک فافعل…» (۲۱) زنان را در پرده حجاب و عفاف، نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگزند؛ زیرا هر چه آنان محبوب تر و پوشیده تر باشند، عفتشان بهتر محفوظ می‌ماند؛ و این نکته را در نظر داشته باش که بیرون رفتن آنان، فسادش بیش تر از این نیست که تو افرادی را که مورد اطمینان نیستند، به منزل ببری (افرادی که مورد اطمینان نیستند، به منزل نبر)، و اگر توانستی کاری کنی که جز تو را نشانند، این کار را نکن.»

خانواده و محافظت از آن، در اسلام آن قدر اهمیت دارد که حتی قدا کردن جان در این راه امری مدحود و پسندیده شمرده شده است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«من قتل دون عیاله فهو شهید؛ (۲۲) کسی که در راه دفاع از اهل و عیال خود کشته شود شهید است.»

**ادامه دارد .....**

**قسمت دوم**

وظایف مردان در جهت مدیریت و سرپرستی خانواده

مردان به منظور انجام وظیفه ی سرپرستی خانواده، وظایف زیر را به عهده دارند:

۱. تأمین نیازهای مادی همسر
واجب است مرد نیازهای مادی همسر (خوراک، پوشاک، مسکن، لوازم زندگی و…) را در حد توان خود و در حد شأن او تأمین کند. اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) درباره ی حق زن بر شوهرش پرسید؛ حضرت پاسخ داد: «یشیع یطنها و یکسو چثنها وان جهلت غفرلها؛ (۸) خوراک او را تأمین کن؛ بدن او را بپوشاند و اگر خطایی از او سرزد، بر او ببخشد.»

در اسلام، انجام این کار امری بسیار شایسته تلقی شده و مورد ستایش قرار گرفته است. امام صادق (ع) می‌فرماید:

«من سعاده الرجل ان یکون القیم علی عیاله؛ (۹) از سعادت مرد آن است که سرپرست خانواده اش باشد. «

از امام رضا (ع) روایت شده است: «الذی یعظم اجر من فضل الله عزوجل ما یکف به عیاله اعظم اجر» من المجاهد فی سبیل الله عزوجل؛ (۱۰) کسی که از فضل خدای عز وجل، به دنبال خروج زندگی اهل و عیال خود باشد، اجرش از کسی که در راه خدا به جهاد

برداخته، بیش تر است.»
از سوی دیگر، کوتاهی در این امر بسیار نکوهش شده است. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «لکفی بالمرء هلاکا ان یضیع من یعول؛ (۱۱) اگر مردی از حاکم البهات الفاحش… البخیل تحت سرپرستی خود کوتاهی کند. «

همچنین از آن حضرت نقل شده: «ان من شر رجالکم البهات الفاحش… البخیل بدمترین مردان کسی است که تهمت زن و ناسزاگو باشد…» مردی که بخیل است و عیال خود را به دیگری می‌سپارد. «

ازامور بسیار نیکو و پسندیده در زندگی خانوادگی آن است که مرد در صورت توان، وضع مادی همسر و فرزندان خود را بهتر کند و شرایط رفاهی بیش تری برای آنان فراهم آورد.

امام رضا (ع) در این باره فرموده است: «صاحب النعمه یحب علیه التوسع عن عیاله؛ (۱۳) ترازگو باشد… مردی که بخیل است و عیال توسعه دهد. «

و امام زین العابدین (ع) چنین بیان داشته است.
«ان اراضکم عبدالله استیغکم علی عیاله؛ (۱۴) خداوند از کسی بیش تر خشنود است که بر خانواده اش توسعه دهد. «

##### تذکر دو نکته مهم

اول، در توسعه بر خانواده، باید مردان مراقب باشند که اسراف نکنند. ایجاد رفاه و آسایش برای همسر و فرزندان، امری بسیار پسندیده است، اما اسراف نیز از گناهان کبیره می‌باشد. مرد باید در عین رعایت حال خانواده و ایجاد گشایش در زندگی آنان، از هزینه ها و ریخت و پاش های نا به جا و بی فایده نیز خودداری نماید؛ چنان که قرآن کریم در توصیف بندگان مؤمن می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ اتَّقَوْا لَمْ يَمَسُّوْا لِمَ يَسْرِقُوْا و لِمَ يَبْتَغُوْا و کَانَ بَیْنَ ذٰلِکَ قُوْلًا» (۱۵) [بندگان خوب خدا] کسانی هستند که در هنگام خرج کردن، اسراف یا سخت گیری نمی‌کنند و روش آنها میانه ی این دو است.»

امام صادق(ع) به یکی از اصحاب خود فرمود: «انتری الله اعطی من اعطی من کرامته علیه و منع من منع من هوان به علیه؛ لا، ولكن المال مال الله، یضعه عند الرجل ودایع و جوز یفهم ان یاکلو قصدا و یشربو قصدا و یلبسوا قصدا و ینکحوا قصدا و یرکبوا قصدا و یعودوا بما سوی ذلک علی فقراء المومنین و یلموا به شعثم؛ فمن قیل ذلک کان ما یأکل حلالا و یشرّب حلالا و یرکب حلالا و ینکح حلالا، و من عدا ذلک کان علیه حراما؛ انتری الله اتمنن رجلا علی مال حوله ان یشتري فرسا بعشره آلاف درهم و یجزئه فرس بعشرین درهماً. و قال: و لاتسرفوا انه لا یحب المرفقین؛ (۱۶) آیا گمان می‌کنی خدا به کسی که مال و ثروت داده، به سبب کرامت و احترام او است، یا به کسی که نداده به واسطه ی پستی او است؟! چنین نیست؛ بلکه مال و ثروت، مال خدا است و آن را به طور امانت نزد شخص می‌گذارد و اذن می‌دهد که به طور میانه روی از آن بخورد، بیاشامد، لباس تهیه کند، ازدواج کند و مرکب سواری تهیه کند، و زیادی آن را به مومنان فقیر برساند و نیازهای آنها را رفع کند. پس هر کس به این دستور عمل کند، آنچه خورده، آشامیده پوشیده سوار شده و نکاح نموده، همه بر او حلال است و اگر چنین نکرد او اسراف نمود، هیچ ی اینها بر او حرام است. سپس برای توضیح بیشتر فرمود: اسراف نکنید که خدا اسراف کاران را دوست ندارد، نظرت در این باره چیست که خدا مالی به طور امانت به کسی بدهد؛ پس او اسبی به مبلغ ده هزار درهم برای سوار شدن بخرد؛ در حالی که می‌توانست اسبی به مبلغ ۲۰ درهم بخرد و کاملاً کفایتش می‌کرد… آیا به نظر تو این کار صحیح است؟. سپس آن حضرت این آیه را تلاوت فرمود: و لاتسرفوا انه لایحب المرفقین؛

اسراف نکنید که خدا اسراف کاران را دوست ندارد.»
همچنین، در خانواده هایی که درآمد زیادی ندارند، ریخت و پاش، خانواده را با بدهی مواجه می‌کند. خانواده برای تأمین هزینه های سنگین زندگی و پرداخت دیون، با مشکلات جدی روبرو می‌شود. این است که در روایات، عاقبت اسراف، فقر و تنگدستی دانسته شده است.